

روزی روزگاری؛ زنده‌یاد جشنواره فیلم فجر!

امسال هم مغازهٔ دوتیش جشن پاره‌های موسوم به فیلم فجر با پول بیت‌المال به نام سینمای ایران و باشکوه‌تر از دو دوره قبل دایر است و منافع داران و سودبران از شوق برگزاری آن از شادی در پوست نمی‌گنجند؛ چراکه شعار آنها به قول معروف:هان اینجا، آب اینجا، کجا بروم به از اینجا است! جشن‌هایی که ارتباطی با سینمای ملی ایران، نیازها و مشکلات و نظ‌های اهالی آن و فجر انقلاب و جامعه ندارند و عنوان سینما و فجر هم بهانه‌ای است برای عده‌ای خاص و اندک که خود را به مستولان غافل سینما می‌چسبانند و از این سرفره بهره می‌برند.

روزگاری زنده‌یاد جشنواره فیلم فجر، وپترین سینمای ایران، محل گردهمایی ملی سینماگران و حامی و هادی هنرمندان، مسیری برای حضور سینماگران و سینمای ایران در جهان بود، اما چند سال است که به دلیل کجروی مدیران و منافع ملی سینما و جشنواره و بی‌اعتنایی به خواسته‌ها و منافع ملی سینما و سینماگران و رسانه‌های سینمایی، وپترین سوپر مارکت کسانی شده که مخالف احیا و به‌روزرسانی و ارتقا و سالم‌سازی جشن پاره و سینمای کشور هستند و برگزاری سالم، هدفمند و استاندارد و کیفی جشنواره فیلم فجر و رونق تولید آثار ملی و مردمی، برایشان نان و آب ندارد!

در واقع آنها در فضای برگزاری دوباره و دوزخ‌پنه‌شده جشن پاره‌ها به خرج مردم است که خوب می‌توانند سود برند و از آب گل آلود ماهی بگیرند! نمونه‌اش جشن پاره‌های سال گذشته که هنوز هم تکلیف میلیاردها پول بر باد رفته و مفقودشده آن به‌رغم تأکید آقای وزیر ارشاد مبتنی بر شفاف‌سازی هزینه جشن پاره‌های موسوم به ملی و جهانی، شفاف و روشن نشده است. پرشش این است، برگزاری جشن پاره‌هایی که از اساس دچار انحراف و کجروی‌اند و اجرای آنها با زدنپنه‌ها، گزینش‌های سفارشی و فرمایشی هیئت‌های انتخاب و داوران و همچنین انتخابها و اهدای مسئله‌دار جوایز و حیف و میل بین‌الممال همراه است و هیچ دستاوردی برای سینما ندارد، چه ثمری دارد؟! باز اگر بعضی کارپلدان و دلسوزان سینما، جزو متولیان و مجریان اجرائی جشنواره فیلم فجر به صورت اصلاح‌شده و قوی و غنی و سلامت بودند، دل اهالی سینما چندان به درد نمی‌آمد ولی با بلبشو و آشتنکی موجود، افاق روشنی پیش روی سینمای کشور نیست و برگزاری جشن پاره‌ها، محملی شده برای بهره‌بری عده‌ای از سرفره مردم که به نام سینما پهن است.

ک دیده بان هادی عسگری

شکایت ستاد صیانت از «تأینی موویز»

مهدی یزدانی، دبیر ستاد صیانت از محصولات فرهنگی و هنری می‌گوید بسته‌شدن سایت «تأینی موویز» به دلیل شکایت این ستاد بوده است. دستگیری سر‌دانشگان و متعاقب آن بسته‌شدن سایت با برطرف‌دارترین سایت‌های داتلود فیلم در ایران، باعث شد تا بسیاری از افرادی که از این سایت داتلود می‌کنند، دنبال دلیل بسته‌شدن آن بگردند و حتی از وزیر ارتباطات نیز درباره این موضوع سؤال کنند که آذری جهرمی به طور کل نقش وزارتخانه‌اش را در بستن سایت «تأینی موویز» رد کرد، اما اکنون مشخص شده که یکی دیگر از بخش‌های دولت یعنی ستاد صیانت از عوامل به تعطیلی کشنده شدن این سایت بوده است. مهدی یزدانی، دبیر این ستاد در گفت‌وگو با «پلنا» با اشاره به اینکه ستاد صیانت از محصولات فرهنگی- هنری، مرجع شکایت از سایت تأینی مووویز بوده است، می‌گوید: «ستاد صیانت مبارزه با تکثیر و عرضه غیر مجاز آثار سینمایی و سمعی و بصری، چه به صورت فیزیکی و چه در فضای مجازی، با همکاری پلیس فتا و قوه قضائیه با هم‌رگونه عرضه غیرقانونی محصولات فرهنگی برخورد می‌کند».

تمام ظرفیت رسانه‌ای در خدمت مدافعان حرم

دبیر نخستین روزواره مدافعان حرم از بسیج تمام توان رسانه‌ای کشور برای تحلیل از مدافعان حرم خبر می‌دهد.بهنام احمدپور که مدیریت شبکه رادیویی ایران را نیز بر عهده دارد، می‌گوید: همه جمع شده‌اند که در ششان مدافعان حرم کاری انجام دهیم، البته یادآور می‌شوم که فعالیت برای این کار بزرگ از چند ماه قبل شروع شده، تقریباً اواخر شهریور ماه به طور جدی کار پیگیری شد و از ابتدای آبان ماه فراخوان روزواره کلید خورد و ما در حال حاضر منتظر دریافت آثار هستیم. روزواره مدافعان حرم در شش بخش اصلی فعالیت دارد که در بخش دیداری آثار مستند، فیلم‌سینمایی، داستانی، کوتاه، پویانمایی، فیلم‌نامه، تیزر و کلیپ و برنامه‌های ترکیبی شرکت می‌کنند. در بخش رادیویی و پویانمایی برنامه ترکیبی برای این‌ روزواره در نظر گرفته شده است. روزواره مدافعان حرم در بخش‌های موسیقی، رسانه، فضای مجازی و بخش مردمی نیز فعالیت خواهد داشت. مدیران رسانه ملی می‌گویند با برگزاری روزواره مدافعان حرم به دنبال تحقق خواسته‌های مقام معظم رهبری در مورد شهدای مدافع حرم هستند. داوری آثار ارائه‌فته به روزواره مدافعان حرم از سوی بسیج سازمان صداوسیما انجام خواهد شد.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلام‌رضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۲
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۶-۷۷-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۲۲۲ | ششمین ۱۶ آبان ۱۳۹۶ | ۱۸ صفر ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۱:۴۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۳ | اذان مغرب: ۱۷:۲۲ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۵ | اذان صبح فردا: ۰۵:۰۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۳۳

رولت روسی روی پیشخوان سینمای سوریه

روسیه فیلم‌های سوری‌اش را ساخت ایران در سکانس اول ماند!



محمدصادق عابدینی

در حالی که روسیه قصد دارد با ساخت فیلم‌های مشترک با سوریه، روایت خود را از وقایع سوریه و مبارزه با داعش داشته باشد، سینمای ایران خود را به ساخت «به وقت شام» دلخوش کرده و حتی سریال «پایتخت ۵» که به موضوع سوریه پرداخته، قرار است نزدیک به پنج ماه دیگر دیده شود! اوایل امسال روسیه اعلام کرد که اولین فیلم سینمایی مشترکش را با سوریه در نام «المیرا» خواهد ساخت؛ فیلمی که در خلاصه داستان منتشر شده در آن آمده است: «داستان یک پویشک را در جمهوری ارمنستان روسیه روایت خواهد کرد، زمانی که همدسترش به هم‌راه دو دختر کوچکشان به طور مخفیانه به سوریه فرار می‌کنند، زندگی‌اش ناگهان نابود می‌شود.»

گویا این فیلم تنها بخشی از پروژه‌های گسترده سینمایی است که روس‌ها قصد دارند در سوریه دنبال کنند. شنیده‌های «جوان» حکایت از آن دارد که روسیه تدارک ویژه‌ای برای ساخت فیلم سریال در سوریه بعد از داعش دارد، به نحوی که سه فیلم سینمایی و پنج سریال تلویزیونی با مشارکت روس‌ها قرار است در سوریه ساخته شود. روح حاکم بر همه این آثار نیز در راستای نشان دادن این موضوع است که روسیه بازیگر اصلی و بیروزنهایی جنگ در سوریه است. پروپاگاندا برای نشان دادن قدرت ارتش روسیه و جنبه نجات بخش بودن سیاست‌های روسیه در کشور سوریه، سیاستی که پیش از این نیز از سوی قدرت‌های مختلف در سینما اجرا می‌شده و جواب نیز داده است! اینجا بحث بر سر روسیه نیست، بحث بر سر ایران است که چه تلاشی برای اثبات جانفشایی‌های مستشاران نظامی‌اش در سوریه به نجات سوریه از چنگ داعش داشته است.

روسیه و تجزیه سینمای آلمان شرقی

روس‌ها یکبار دیگر نیز چنین کاری را انجام داده‌اند. بعد از سقوط آلمان نازی، شوروی بخشی از خاک آلمان را به اشغال خود در آورد، منطقه‌ای که تا نیمی از شهر برلین پایتخت آلمان گسترده شده بود. در ادبیات سیاسی به این منطقه اشغال «منطقه شوروی» گفته می‌شد و سپس «آلمان شرقی» نام گرفت.

حکمت

حکمت ۱۷۷

امام علی (علیه السلام) فرمود:
گنجهکار را با پساداش دادن به نیکوکار (تنبیه کن و) از گناه بازدار.

چهره‌ای منقور داشتند.

سال‌ها بعد و با وحدت دوباره آلمان، این بار نوبت سینمای آلمان مورد حمایت غرب بود که انتقام سال‌ها پروپاگاندا آلمان شرقی را بگیرد و با ساخت آثاری مانند «زندگی دیگران» نشان دهد، شرایط زندگی در آلمان شرقی چقدر سخت و منجرکننده بوده و مردمی که در آن بخش از خاک آلمان زندگی می‌کردند تا چه حد برای فرار به بخش غربی مشتاق بوده‌اند.

سوریه، روسیه و ما

سینمای ایران بسیار کم به موضوعات بین‌المللی پرداخته است. بر خلاف آنچه در سیاست‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ششاد هستیم و حضور مؤثر ایران در پیشبرد جبهه مقاومت، سینمای ایران، دچار نوعی بی‌تفاوتی و عدم تمایل برای ورود به مسائل بین‌المللی است. مهم‌ترین حضورهای بین‌المللی سینمای ایران نیز معطوف به آثاری بوده که با موضوع مقاومت ساخته شده است.

اگرچه مدیران دولتی سینما می‌خواهند آثاری مانند «فرزند چهارم» را نیز به حساب آثار استراتژیک سینمایی بگذارند، ولی از میان معدود آثار ساخته‌شده با رویکرد موضوعات بین‌الملل، مسئله فلسطین، مبارزه با صهیونیسم، مقاومت در لبنان و اکنون ساخت فیلم با موضوع تکفیری‌ها جایگاه خاصی دارد. هم‌زمان با ساخت فیلم از سوی روس‌ها، ایران نیز در حال ساخت فیلم درباره تحولات سوریه است، اما حجم کاری سینمای ایران درباره سوریه می‌خواهد انجام دهد، در مقایسه با خوابی که روس‌ها برای حضور در فضای سینمای سوریه دیده‌اند، ناچیز است.

مهم‌ترین فیلمی که اکنون در سینمای ایران با موضوع سوریه در حال ساخت است، فیلم «به وقت شام» ابراهیم حاتم‌کی است؛ فیلمی که احتمالاً در سری و ششمین جشنواره فیلم

فجر رونمایی خواهد شد. در سفر اخیر رئیس سازمان صداوسیما به سوریه نیز تفاهمنامه‌هایی برای ساخت آثار مشترک میان ایران و سوریه امضا شد و باید منتظر بود و دید این تفاهمنامه‌ها چه زمانی وارد فاز اجرایی می‌شوند. اکنون مسئله این است که حوادث سوریه را چه کسی قرار است روایت کند و این روایت قرار است در راستای نشان دادن واقعبیت باشد یا خیر؟! فضای همکاری سیاسی و نظامی ایران و دولت قانونی سوریه می‌تواند در زمینه‌های فرهنگی نیز گسترده شود و هنرمندان دو کشور نیز فعالیت‌های مشترکی داشته باشند.

سوریه از جمله معدود دولت‌های عربی است که دارای سینمای ششاسنانه‌مدار و باهویت است؛ سینمایی که در مواجهه با سیاست‌های سعودی علیه مردم سوریه توانسته است آثاری مانند «پادشاه نشن‌ها» و «فانی و از هم شکسته» را تولید کند. این سینما می‌تواند در کنار تجربیات سینمای ایران در ارائه سینمای مستقلی به جهان، حرف‌های تازه‌ای را در سینمای عرب هالیوودی، این بار تصویری انسانی از مرگ سرخپوست به تصویر کشیده شد و سفیدپوستان فرهنگی پیش ببرد.

نما حسین کشکار



بازار گرمی ماهواره‌های فارسی‌زبان برای اهالی سینمای ترکیه

بازیگران ترکیه سوار بر باد «GEM» به ایران می‌رسند

محمدصادقی

پخش سریال‌های ساخت ترکیه با دوبله فارسی از چند شبکه ماهواره‌ای باعث‌شده تا بازیگران این کشور بار دیگری به چهره‌ای آشنا در ایران تبدیل شوند؛ شهرتی که پای این بازیگران را به سینمای ایران باز کرده‌است و می‌تواند به ضرر بازیگران ایرانی تمام شود. مجلات عامه‌پسند ایرانی در سال ۵۶ به طور گسترده خبر حضور «امیل ساین» خواننده و بازیگر اهل ترکیه را در ایران پوشش دادند؛ خواننده‌ای که پیش از حضور در ایران و اجرای ترانه‌های فارسی، در رادیو استانبول به شهرت رسیده بود و در ترکیه چهره‌ای محبوب بود، ولی با حضور در ایران در میان بازیگران زن ایرانی نیست. در آن سال‌ها امیل ساین تنها هنرمند ترک نبود که سر از ایران درآورد، چند هنرمند دیگر از جمله «جونیت آرکین» که در ایران با نام «فخرالدین» شناخته می‌شد به ایران آمدند و در فیلمفارسی‌سازی مشغول شدند.

آن روزها حضور بازیگران ترک در سینمای ایران یکی از راه‌های کشفاندن مردم به سینماها بود. تهیه‌کننده‌های فیلمفارسی به خوبی می‌دانستند که آهنگ‌های خواننده‌های ترک در فضای سینمای ایران به‌اندازه‌ای که تهران طرفداران زیادی دارد و در روزهایی که سینما فیلمفارسی‌سازی مشغول شدند. برای ایرانی‌ها به شهرت رسانده‌است. دارای سینمای ششاسنانه‌مدار و باهویت است؛ سینمایی که در مواجهه با سیاست‌های سعودی علیه مردم سوریه توانسته است آثاری مانند «پادشاه نشن‌ها» و «فانی و از هم شکسته» را تولید کند. این سینما می‌تواند در کنار تجربیات سینمای ایران در ارائه سینمای مستقلی به جهان، حرف‌های تازه‌ای را در سینمای عرب هالیوودی، این بار تصویری انسانی از مرگ سرخپوست به تصویر کشیده شد و سفیدپوستان فرهنگی پیش ببرد.

دوربین‌های رسانه ملی در بازتاب رویداد اربعین سردرگم، بی‌هدف و بدون آینده هستند

عظمت اربعین در یک مجری و یک میهمان خلاصه نمی‌شود

حامد حوادی

یک دوربین‌روی سه پایه به طور ثابت به اضافه یک مجری که روی صندلی نشسته و جانبازی این میزانشن روی پشت‌بام ساختمانی نزدیک حرم، طوری که گذلسته مطلقاً پس‌زمینه تصویر باشد، همه تر برنامه‌سازی رسانه ملی در بازتاب اتفاق عظیمی چون اربعین است.

با اینکه کمیت برنامه‌های رسانه ملی برای پوشش اربعین بالاست، اما همه برنامه‌ها با کیفیت یکسانی ارائه می‌شوند. عمده برنامه‌ها، ساختار و محتوایی شبیه هم دارند؛ یک مجری با یک دوربین و نهایتاً یک کارشناس که تقریباً همه‌شان هم حرف‌های شبیه به هم و تکراری می‌زنند. معلوم است که این نوع برنامه‌سازی به قول معروف در حد رفع تکلیف تولید می‌شوند و هیچ ایده خاصی برای تولید ندارند. اربعین گنجینه‌ای است که رسانه ملی می‌تواند به واسطه آن برنامه‌های متنوع و جذاب زیادی تولید کند، اما از آنجا که خلالتی در رسانه ملی سال‌هاست خشکیده، همواره راحت‌ترین راه برای بازی با اربعین، ساختار و محتوایی شبیه هم دارند؛ یک مجری با یک دوربین، ساختار و محتوایی شبیه هم دارند؛ یک مجری با یک دوربین و نهایتاً یک کارشناس که تقریباً همه‌شان هم حرف‌های شبیه به هم و تکراری می‌زنند. معلوم است که این نوع برنامه‌سازی به قول معروف در حد رفع تکلیف تولید می‌شوند و هیچ ایده خاصی برای تولید ندارند. اربعین گنجینه‌ای است که رسانه ملی می‌تواند به واسطه آن برنامه‌های متنوع و جذاب زیادی تولید کند، اما از آنجا که خلالتی در رسانه ملی سال‌هاست خشکیده، همواره راحت‌ترین راه برای بازی با اربعین، ساختار و محتوایی شبیه هم دارند؛ یک مجری با یک دوربین، ساختار و محتوایی شبیه هم دارند؛ یک مجری با یک دوربین و نهایتاً یک کارشناس که تقریباً همه‌شان هم حرف‌های شبیه به هم و تکراری می‌زنند. معلوم است که این نوع برنامه‌سازی به قول معروف در حد رفع تکلیف تولید می‌شوند و هیچ ایده خاصی برای تولید ندارند. اربعین گنجینه‌ای است که رسانه‌ها اگر قدری نگاه تنگ و کلیشه‌ای خود را بشکنند و از پیله روزمرگی بیرون بزنند، می‌توانند مخاطبان را در معرض تجربیاتی زیبا و بی‌مانند قرار بدهند، اما افسوس که



پخش سریال «عمر گل لاله» هم باعث شد تا آمدن و ایفای نقش «ولنگاهان باشیمان» بازیگر این سریال در یک فیلم ایرانی خیرساز شود.

این اتفاقات صرفاً ترفندی برای خبرسازشدن و بر سرزبان افتادن نام یک فیلم سینمایی است که می‌تواند در زمان اکران نیز فضا را برای دیده‌شدن فیلم مهیا کند.

اگر به لیست بلند بازیگران زن در سینمای ایران نگاه کنیم، به خوبی مشخص می‌شود که حضور «نورگل یشیلچای» برای ایفای نقش در فیلمی ایرانی به دلیل نبود چهره به ورود چهره‌های جدید از جمله خواننده‌ها، با تخرک «امیل ساین» در فیلمفارسی‌ها بازی می‌کرد، بسیاری از خانواده‌های ایرانی حتی به سینما هم نمی‌رفتند و بازیگران زن سینما، در میان مردم نام نیکی نداشتند، به همین دلیل می‌شد با ورود چهره‌های جدید از جمله خواننده‌ها، با تخرک چهره‌های بازیگران زن در فیلم‌های مختلف جلوگیری کرد، اما در سال‌های اخیر یکی از گلاجه‌های جدی بازیگران سینما این است که فرصت ایفای نقش به بسیاری از بازیگران نمی‌رسد؛ محبوبیت خودشان را تهدید می‌کنند! مدیون پخش سریال‌های دوبله‌شده آنها در ماهواره‌های فارسی‌زبان است، باعث می‌شود تمایل به حضور این چهره‌ها در سینمای ایران بیشتر شود. «GEM» که زمانی برخی از اهالی سینما مشتاق بودند می‌تواند با پخش ارزان‌قیمت تیزرهای فیلم‌های سینمایی ایرانی، به بالابردن میزان فروش فیلم‌ها کمک کند، این بار با مطرح کردن نام بازیگران سینمای ترکیه، فرصت‌های حضور بازیگران ایرانی در سینمای کشور خودشان را تهدید می‌کنند!

موجی که «GEM» برای بازارای بازیگران اهل ترکیه به راه انداخته‌است تا این جای کار موفق‌تر از موج بالیوودی که فیلم «سلام بمبئی» به دنبال آن بوده، عمل کرده‌است و چهره‌های ترک بیشتر از هنده‌ای در دایره توجه قرار گرفته‌اند.



رسانه ملی ظرفیت‌های خود را نمی‌شناسد یا نمی‌خواهد خود را از رخوت و سستی بیرون بیاورد و در این میدان جلودار که نه، همپا و همراستا با سبیل عظیم مردم گام بردارد و خوشه‌چین این رویداد عظیم باشد. برای مثال روز گذشته در خبرها آمده بود که یکی از نمایندگان کنگره آمریکا در این مراسم راهیمیایی اربعین شرکت کرده‌بود یا نمونه داخلی‌اش همین وزیر جوان ارتباطات که عکس‌های سفارش در فضای مجازی منتشر شد. آیا برنامه‌سازان سیما نمی‌توانستند با این دفتر یک برنامه جذاب و پر مخاطب تولید کنند. ایجاد رادیو اربعین و سیما ی اربعین کمترین و پیش‌افتاده‌ترین کاری است که رسانه ملی می‌تواند برای بازتاب اتفاق عظیم اربعین انجام دهد، ضمن اینکه بسیاری از موضوعات درباره اربعین به طور کامل در رسانه منقول هستند، اما دوربین‌ها صرفاً دورنمایی کلی از راهیمیایی اربعین ارائه می‌دهند و به هیچ عنوان تمایلی برای نزدیک شدن و ورود به جزئیات نشان نمی‌دهند.